

مسائل حاد جنبش ما

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

اسفندماه ۱۳۵۵

۶۴۸

www.KetabFarsi.com



مسائل حاد جنبش ما

دومین « نشریه بحث »
بین

سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

اسفندماه ۱۳۵۵

www.KetabFarsi.com

۱	۱ - مقدمه : انتشار خارج سازمانی "نشریه بحث"
۱۵	۲ - خطاب به کادرها
۳	۳ - آخرین نامه به س.ج.ف.خ.ا.
۴۳	۴ - اولین نامه س.م.خ.ا.
۴۴	۵ - پاسخ س.ج.ف.خ.ا.
۴۷	۶ - اولین تحلیل در دوین نامه به مرکزیت س.ج.ف.خ.ا.
۱۰۱	۷ - چگونه "یک مبارز ایرانی" برای انحراف مبارزه تلاش میکند؟
۱۰۱	۸ - در حاشیه نقد مصاحبه یک "مبارز ایرانی" با مجله المصدق
۱۶۱	۹ - سئوالاتی درباره "شمارهای وحدت" سر مقاله نبروخلق شماره ۶
۱۶۶	- قسمت اول : در مورد وحدت نیروهای ضد امپریالیستی
۱۸۸	- قسمت دوم : در مورد وظایف مارکسیست - لنینیستها
۱۸۹	- قسمت سوم : طرح شعار مرحله‌ای کامل مارکسیست - لنینیستهای ایران
۱۹۱	۱۰ - شکافهایی در "شمارهای وحدت"
۲۱۹	- ادامه بحث و امتداد شکاف
۲۴۶	- "همکاری هرچه بیشتر نیروهای انقلابی" حکمت زندگی یا زندگی حکمت آموز ؟!
۲۸۷	۱۱ - "شمارهای وحدت" سر مقاله نبروخلق
۲۹۹	۱۲ - ضمیمه شماره ۱ شکافهایی در "شمارهای وحدت"
۳۱۱	۱۳ - ضمیمه شماره ۲ شکافهایی در "شمارهای وحدت"

I. S. M.

Denton

(انتقادی کوتاه بر اعلامیه کارگری س.چ.ف.خ.ا.)

مورخه ۱۶ / ۲ / ۵۵)

۳۲۷

۱۴ - نامه سرگشاده يك رفيق مجاهد به س.چ.ف.خ.ا.

۳۸۷

۱۵ - ضمیمه نامه سرگشاده : اطلاعیه توضیحی درباره آخرین

توطئه‌ی شاه خاشاک

انتشار خارج سازمانی

نشریه بحث*

از زمانیکه مسئله وحدت نیروهای انقلابی خلق و در بطن آن وحدت نیروهای انقلابی پرولتری بعنوان مبرمترین مسئله این مرحله جنبش در دستور کار سازمان مسا قرار گرفت، هم‌اکنون بیش از ۲ سال می‌گذرد (رجوع کنید به مقاله وحدت مندرج در نشریه داخلی آذرماه ۵۳ ضمیمه بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک). در این مدت سازمان به تلاش همه جاتی برای «در درون و بیرون تشکیلات» برای تحقق امر وحدت دست زده است. این تلاشها که قسمتی از آن در این نشریه منعکس است تا کنون در موارد معینی بلتایج کم و بیش آیدوار کردند. هم دست یافته است، در حالیکه همچنان به ثمرات ارزنده‌ای که در آینده بدست خواهد آمد امید داریم.

در این مدت سازمان ما برای رسیدن به چنین هدفی (وحدت نیروهای انقلابی خلق) کلیه نیرو و فعالیت سیاسی - تشکیلاتی خود را در آن جهت، علی‌الخصوص وحدت کامل یا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سمت داد. فعالیت‌های آموزشی، شوریک و عملی خود را حول محور «وحدت» متمرکز نمود. «خط مشی تبلیغاتی خود را در سطح جنبش بر این اساس پایه گذاری کرد». نظرات، انتقادات و اتهاماتی را که از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مطبوعات خارج سازمانی مطرح میشد، در حالیکه این حق را متقابلاً در مقابل ما مینهاد که بصورت علنی نظراتمان را مطرح کنیم، بخاطر اهمیتی که برای وحدت کامل دو سازمان قائل بودیم (و هستیم) به جواب درونی موکول نمودیم (رجوع کنید به مقاله‌های نبرد خلق ۶ و ۷ و همچنین مقالات نشریه حاضر). از انتشار انتقادات بسیار زیادى که سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران در زمینه‌های مختلف چه در داخل کشور و چه در خارج کشور داشتیم و اثرات زیانبار آنرا نیز مشاهده می‌کردیم. "بخاطر جلوگیری از گسیختگی قطعی خودداری نمودیم و بکار توضیحی و انتقاد از درون پرداختیم. از افشاء مواضع سوداگرانه و در نهایت ضد انقلابی جبهه ملی (بخش خاورمیانه) بواسطه ارتبساط مستقیم اما مبهم آن با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بلحاظ اینکه مسئله مطرح انتقادات مهم تر و اساسی‌تری نسبت به رهبری چریکهای فدائی خلق ایران بطور علنی بود (صرف نظر از اینکه ماهیت و نقش فرعی و ثانوی سازمانی نظیر جبهه در جنبش و انحرافات شناخته شده آن که در جبهه‌ها همیت افشاء آن را بشدت می‌کاست) خودداری نمودیم و این علیرغم فعالیت خرابکارانه و موندیانه جبهه ملی بود. در دو سال گذشته علیه سازمان ما و در واقع نهایتاً علیه کل جنبش مسلحانه پیشتاز بود که بواسطه اختلاف کیفی و تضاد ماهوی بین ایدئولوژی، مشی و مواضع عملی جنبش مسلحانه پیشتاز و سازمانها جبهه ملی (بخش خاورمیانه) جریان پیدا کرده بود. در مقابل خواست صادقانه برخی نیروهای مبارز و انقلابی که ما را برای برخورد با مواضع و نظرات انحرافی رهبری چریکهای فدائی و پاکسازی اندیشه و عمل جنبش مسلحانه پیشتاز تحت فشار قرار میدادند، "باتکیه بر اهمیت وحدت، اهمیت و حساسیت مبارزه ایدئولوژیک در این مورد" به کار توضیحی پرداختیم و متقابلاً در مقابل اپورتونیستهای مخالف جنبش مسلحانه پیشتاز که با هدف تغییر جهت لیه، تیز مبارزه ایدئولوژیک از اندیشه و عمل "شان ما را مورد" انتقاد "قرار میدادند که "چرا با نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق برخورد نمی‌کنید؟" و بر مبنای تصورات روشنفکرانه، اقتناع طلبانه و غیر مسئولان در مورد مبارزه ایدئولوژیک بدنبال "سرگرمی جدیدی" بودند (و هستند)، با اصرار بر مواضع وحدت طلبانه خود و با افشاء مستقیم و غیر مستقیم نیاتشان، مقاومت نمودیم و با برخوردی آگاهانه و مسئولانه بمبارزه ایدئولوژیک بسیار حساس و ظریف خود با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از کانال

اینها همگی نشان میدهند که ما حاضر بودیم ، با تکیه بر تقدم مصالح دراز مدت جنبش بر منافع کوتاه مدت تر سازمانی و به امید بهبود و اصلاح مناسبات و تحقق وحدت کامل دو سازمان و با اعتقاد به اینکه "تا مسوقه عیبه دو سازمان میتوانند اختلافات اصولی خود را با اتکاء به توده های سازمانی خود حل کنند ، لزومی به کشاندن این اختلافات در سطح خارج دو سازمان نیست " ، در مقابل تمام مسائل و مشکلات و حوادث و عوامل ناگوار مربوطه با صبر و حوصله انقلابی برخورد نمائیم .

اینها همه برای این بود که بنظر ما مسئله "وحدت" حلقه اساسی حل مسائل این مرحله جنبش و پاسخگوی نیازهای رشد و توسعه جنبش نوین انقلابی خلق ما بشمار میرود و ما میبایستی اصلی ترین توجه و فعالیت سیاسی - تشکیلاتی و تئوریک خود را با هوشیاری ، دقت و ظرافت انقلابی در این جهت متمرکز مینمودیم و با احساس مسئولیت عمیق و صبر و بردباری انقلابی بر زمین "وحدت" را قدم بقدم هموار می کردیم . مسلماً در صورتیکه از طریق درونی به موفقیت میرسیدیم ، مضامین ، تجربیات و دستاوردهای پروسه مبارزه و وحدت دو سازمان میتوانست باز هم بصورت مثبت و آموزنده ای بمثابة دستاورد جنبش مسلحانه پیشتاز در خدمت وحدت گسترده تر نیروهای انقلابی خلق و جنبش کمونیستی مبین مان و رشد و استحکام تئوری و عمل جنبش مسلحانه پیشتاز در سطح جنبش طرح شود ، که در این راه طبعاً عواقب و عوارض منفی ناشی از ضعفهایی که مورد انتقاد ما بود نیز زود و به میشد .

در ادامه تلاشها برای حل اختلافات اصولی دو سازمان با اتکاء بتوده های دو سازمان ، سازمان ما در مقدمه نشریه بحث درونی دو سازمان (شماره ۲) پیشنهاد^ت

مشخصی را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ارائه میکنند و صریحا خواستار نظرات و اعلام مواضع رفقا می گردند.

رفقا! ما بسیار مناسب تر دیدیم که نخست مسائل فیما بین ما با خود شما در میان بگذاریم و سپس در انتظار پاسخ شما باشیم. روش ما اکنون روشن انتظار است. شاید تاکنون به اندازه ی کافی تشوین داده میباشیم که ما ناآشنا که از نظر اصولی امکان پذیر بوده کوشش برای جلوگیری از گسیختگی قطعی را نکرده ایم.

مواضع درونی و بیرون سازمانی مادر ماری شما - روابط گذشته ی سازمان - از جمله نشریاتی که هم اکنون در مقابل شماست - نمونه های از این کوشش و نمونه های دیگری از آمادگی برای هرگونه نزدیکی اصولی را از طرف ما نشان می دهد.

شما با مطالعه ی مقالات همین نشریه می توانید به صبر و حوصله ای که مادر قبایل بسپارید از تضایب ناگوار نشان داده ایم، صبر و حوصله ای که مسلما خالی از امید نیست بهیچ وجه و اصلاح نبود ماست، می بپردازد. هم اکنون نیز بنظر ما تا موقعی که دو سال زمان می توانند اختلافات اصولی خود را با نگاه به توده های سازمانی خود در میان خود حل کنند، لزومی به کشاندن این اختلافات در سطح خارج سازمان نیست.

تجربیات این همکاری و تفاهم نیز بعد از آن می تواند بطرفی مثبت برای نیروهای دیگر جنبش بازگو گردد. اما اگر هیچیک از پیشنهادات ما نمی تواند مورد قبول شما باشد، اگر شما لزومی به اتخاذ مواضع قاطع و صریحی نسبت به مسائل مورد بحث در فوق نمی بینید و بالاخره اگر هیچگونه مسئولیتی در قبال ضروریاتی که وحدت نیروهای انقلاب بی موجود در جنبش و جلوتراز همه وحدت سازمان ما و شما را ایجاد کرده است، احساس نمی کنید و حاضر نیستید یک راه حل عملی، روشن و قاطع برای آن ارائه بدید، آنگاه مسلما گسیختگی قطعی است. مسئولیت تام و تمام این گسیختگی به عهده ی شما خواهد بود و در آن صورت روشن است که مادر ادامه ی مبارزه خود، برای تحکیم و پاسخ به ضروریات انقلابی جنبش، در ادامه مبارزه برای

تأمین وحدت نیروهای انقلابی خلق و در بطن آن وحدت نیروهای انقلابی پرولتسری، در سطح جنبش و جامعه با شمانیزم مواجه خواهیم بود، زیرا راه وحدت دیگر نه از طریق کار در میان توده‌های دوسازمان، بلکه از پهنی یک مبارزه‌ی ایدئولوژیک گسترش یافته در سطح جامعه عبور خواهد کرد. واضح است که در چنین صورتی ما هیچگونه تردیدی در پی‌موردن قاطع این راه به خود راه نخواهیم داد.

بدین ترتیب همچنان تا قبل از روشن شدن نظرات و مواضع سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران راجع به "مسائل مورد بحث" در اولین مقاله "نشریه بحث"، از کشاندن اختلافات بسطح جنبش خود داری نمودیم. اما اخیراً اخبار رسیده از داخل حکایت از این دارد که رهبری چریک‌های فدائی خلق ایران با ادامه روش انحرافی ضد وحدت خود حتی نیم گامی هم برای پاسخ به اصلی‌ترین ضرورت انقلابی مرحله کمونیستی جنبش، ضرورت وحدت نیروهای انقلابی خلق و در رأس آن وحدت کامل دوسازمان ما و چریک‌های فدائی خلق ایران بجهت پیش‌نگذاشته است.

بدین ترتیب اکنون برای پاسخ به ضرورت "وحدت، راه" مبارزه‌ی ایدئولوژیک گسترش یافته در سطح جامعه در مقابل ماقرار گرفته است. راهی که دیگر هیچگونه تردیدی در پی‌موردن آن بخود راه نمیدهم. بدین قرار سازمان ما چاپ و انتشار "نشریه بحث" را تحت عنوان "مسائل حاد جنبش ما" در سطح جنبش ضروری دانسته و اقدام به انتشار آن نمود. با ایس اقدام، سازمان ما و جنبش نوین انقلابی و کمونیستی خلق مادر روسیه ای گام می‌نهد که اگرچه پرفراز و نشیب و سخت و دشوار است ولی باز در انتهای آن جز وحدت نیروهای انقلابی خلق، جز وحدت جنبش نوین کمونیستی خلق ما، جز گسترش و تحکیم مبارزه مسلحانه و بالاخره جز ارتقاء و تعمیق اندیشه و عمل کمونیستی و انقلابی جنبش‌ظفر نمون خلق ما چیزی نمی‌بیند.

در اینجا ذکر چند نکته را ضروری میدانیم:

۱. در انتشار خارجی این سند برخی نکات اطلاعاتی و امنیتی آن را حذف نمودیم.

۲- در اولین تحلیل درد و بین نامه مرکزیت "سازمان مجاهدین خلق ایران" به ... در آن قسمت که به گفته یکی از رفقای ما که قبلاً مسئولیت هائی در خارج داشته استناد شده است چند نکته نادقیق وجود داشت که اصلاح کرده ایم . این اصلاحات جزئی و کوچکترین تغییری در محتوی و مفهوم مطالب مورد بحث نداده است .

۳- مطالبی که پانامزای ما "ارگان خارج از کشور" آمده است بهسدا به -
 "نشریه" اضافه شده است .

"پیش‌پسوی مبارزه برای وحدت نیروهای انقلابی خلق"

سازمان مجاهدین خلق ایران

ارگان خارج از کشور

اعلام همبستگی چهار سازمان انقلابی در چهار کشور مختلف آمریکای
لاتین در بزرگی برای انقلابیون و سازمانهای مبارز در داخل کشورمان
در بردارد .

اگر این سازمانها توانسته اند علیرغم همه ی تفاوتها این که بهر حال
در شرایط اجتماعی کشورهاشان وجود دارد بالاخره پایه های مناسبی
برای وحدت خویش بیابند این سؤال ، اینجا برای ما بسیار قابل توجه
خواهد بود که چه چیز و چه مانعی مبارزین پراکنده ی ما را ، سازمانهای
انقلابی داخل ایران را (در وهله ی اول) از متحد شدن باز میدارد ؟ در
حالی که ماهمگی بر روی یک زمینه ی عینی و ذهنی از شرایط اجتماعی حرکت
میکنیم و نقاط اشتراك ما شاید بسیار بیشتر از نقاط اشتراك این چهار
سازمان باشد .

اکنون در زمانیکه دشمن ، به حالتی شکی در تمرکز و همبستگی نیروهای
مختلف اجتماعی ، یاسی ، نظامی و فرهنگی (مبتنی بر یک تمرکز
شدید اقتصادی) کوشش می کند و در زمانیکه این تمرکز فشار اهریمنی
خود را بطور روزافزونی بر نیروهای پراکنده ی جنبش وارد میسازد ؟ چه
عواملی می توانند ما را از وحدت بازدارد ؟ چه عاملی میتواند ما را به ادامه ی
این پراکندگی و یا عدم کوشش برای اتحاد فوری تمام نیروهای انقلابی
وادار سازد ؟

ما اکنون مدتهاست که سنگینی چنین مسئولیتی را در مقابل آیندگی جنبش
انقلابی ایران و در مقابل خلقمان با تمام ذرات وجود احساس میکنیم . ما
بخوبی می دانیم که در آیندگی ، آیندگی ما یک حتی چند ان هم در نیست ، تقاص

این بی‌اعتنائی به ضرورت‌های تکاملی جنبش راپس خواهیم داد .
نسل‌های آینده‌ی انقلاب، تسلیهائی که در جریان انقلاب خیلی زود تراز
شرایط معمول زاده می‌شوند ما را مورد شماتت و موذیانه قرار خواهند
داد . آنها ما را تنگ نظر و منور خواهند خواند و در پیشگاه تاریخ و رقیب
توده‌ها ، بخاطر این سناحه‌ها ، بخاطر این سهل‌انگاریها و عدم
احساس مسئولیت‌ها در قبال آینده‌ی جنبش، سزا فکند مومحکوم خواهیم
بود .

(مقصد سعای پراعلامیه‌ی وحدت سازمانهای انقلابی آمریکای لاتین)

آذرماه ۱۳۵۳

نقل از : " ضمیمه‌ی شماره‌ی یک بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک
سازمان مجاهدین خلق ایران " - مهرماه ۱۳۵۴)

خطاب به کادرها

مرکزیت

سازمان مجاهدین خلق ایران

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

رفقا!

اینک دومین شماره‌ی نشریه‌ی ویژه‌ی بحث درون‌دو سازمان در مقابل شماست. نه ماه پیش در جلسه‌ی مذاکرات حضوری د و سازمان «رفقای رابط شما پیشنهاد انتشار نشریه‌ی مشترکی را مطرح کردند که وظیفه‌ی حل مسائل وحدت و رفع مشکلات و موانع موجود بر سر راه تفاهم د و سازمان را بعهده می‌گرفت.»

این پیشنهاد بلافاصله با استقبال و موافقت ما روبرو شد و بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ روابط د و سازمان «امکان یک زمینگی مشخص همکاری عملی برای حل اختلافات د و سازمان و مجرائی برای رسیدن به تفاهم سیاسی-ایدئولوژیک میان آن دو» فراهم آمد. این توافق هر چند هنوز کوچک بود اما آشکارا نشانه‌ی آن بود که رهبری د و سازمان به ضرورت وحدت د و سازمان پی بردند و مصممانه درصددند مشکلات و موانع اساسی را که بر سر راه چنین هدفی وجود دارد «از میان بردارند.»

با این وصف «این توافق (کوچک هم) ساده بدست نیامده بود» د و سازمان راه درازی را برای رسیدن به آن پیموده بودند.

از یکطرف رشد و تکامل بعدی جنبش مسلحانه «جنبشی که به پایمردی هزاران مبارز انقلابی» با رنج و خون صد‌ها رزمندگی اسیر یا شهید «مرحله‌ی اول تثبیت سیاسی خود را از سرگردانده بود» دیگر به سمت‌گیری تودهای این جنبش و نتیجتاً در قدم اول خود به وحدت نیروهای انقلابی وارد در جبهه‌ی نبرد بعنوان اولین حلقه‌ی تودهای شدن وابسته بود و از طرف دیگر ورود سازمان ما به جرگه‌ی مارکسیست-لنینیست‌ها که در طی یک مبارزه‌ی سهمگین ایدئولوژیک در داخل

سازمان و بعد از ده سال سابقه مبارزاتی صورت گرفته بود و تغییرات نونی را در تعادل نیروهای انقلابی جنبش به نفع انقلابی ترین و پیشروترین بخش این نیروها - یعنی کمونیستها - موجب گردیده بود ؛ مجموعاً (شرایط جدید استراتژیک ناشی از طی مرحله اول تثبیت و تغییراتی که تحول ایدئولوژیک سازمان مابعد نفع نیروهای کمونیست در سطح جنبش بوجود آورده بود) به امر وحدت دو سازمان ، ضرورتی مضاعف می بخشید .

در چنین شرایطی ، توافق کوچک دو سازمان در انتشار یک نشریه مشترک ، بعنوان اولین قدم صلی وحدت ، معنای بزرگی در برداشت . در واقع این توافق نمونه ای درخشان از درک صحیح رهبری دو سازمان از ضرورت های استراتژیک جنبش مسلحانه و نیازهای انقلابی جنبش کمونیستی ایران و نشانه ی روشنی از اولین کوششها صادقانه در راه پاسخ به این ضرورتها را در مقابل می گذاشت . این حرکت نشان می داد که امکان تکمیل و توسعه ی این توافق و اندیشیدن تدابیر وحدت آمیز دیگری در ابعاد و زمینه های دیگر و نتیجتاً هدف پیوستگی و وحدت کامل دو سازمان ، چیزهایی نیستند که محتاج خوشبینی های بیش از اندازه و آمال و آرزوهای دور و دراز ذهنی گرایانه باشند .

از آن هنگام تاکنون زمان زیادی نمی گذرد . با این حال مانند تمام دورانیهای انقلابی ، جنبشها روزهای ستلاطم ترو فراز و نشیبهای بازم بیشتر را از سر گذرانده است . در این مدت شاهد شکست های نسبتاً مهم و در عین حال پیروزیهای چشم گیری بود ماست . همه ی این حوادث ، چه خوب و چه بد ، چه پیروزیهای چشم گیر جنبش و چه شکستهای اسف آوران ، در ماهیت امر ، بازم بیشتر از پیش ضرورت وحدت و پیوستگی دو سازمان را آشکارتر کرده اند . عبارت دیگر اگر بگوییم شکست های جنبش در تحلیل نهایی ، علتی جز ضعف و پراکندگی نیروهای جنبش نداشته است (هر چند که این نیروها منفرداً با النسبه قوی بوده باشند) و پیروزیهای آن

همگی مشروط به پاسخ صحیح به " ضرورت‌های وحدت " بوده اند ، سختی بگراف
نگفتیم . بدین ترتیب گذشت زمان در این جا ، تنها تأیید کننده‌ی بی‌چون و چرای
این هدف و آشکارکننده‌ی ابعاد دیگر این ضرورت بوده است .

با این حال رفقا ! باید قبول کنیم که کوشش‌های بعدی ما برای تحقق این
هدف بسیار کم و حتی ناچیز بود ما است . علیرغم پیش‌بینی‌های اولیه ، دامنه‌ی این
توافقات نه تنها گسترش نیافت ، بلکه به مرور برخی از آنها عملاً نقض شد و برخی
دیگر بحالت تعلیق درآمد . درحالی‌که هر روز بیشتر از گذشته ، نیازهای پیشبرد
کار ، کوشش‌های بسیار بیشتری را در زمینه‌های متعدد همکاری ، تفاهم و وحدت
ایجاب می‌کرده است .

اما این وضع معلول چه عللی بوده است ؟

مسئله بررسی علل دقیق و کامل این وضع محتاج پر خورده نزدیکی ما بین رهبر
دو سازمان است . هر یک از دو طرف باید دیدگاه‌های خود را در باره‌ی این مسئله
ابراز دارند و سپس در یک جریان تبادل نظر جمعی به نتیجه‌ی قاطع و مورد قبولی
دست یابند .

تا آن موقع هرگونه اظهار نظری مسلماً نظرات یکطرف را منعکس خواهد ساخت .
با این حال برای روشن شدن اصل مسئله و آگاهی رفقا به جریان گردش این روابط
لازمست اشارهای بد وقایع گذشته کنیم . ما در همین حال ، در خلال این اشاره ،
قسمتی از ملاحظات خودمان را نسبت به علل این وضع بنظر رفقا خواهیم رساند .



همانطور که گفته شد در جلسهی مذاکرات، آذرماه ۵۴ ، انتشاریه تشریحی

مشترك كه در آن موقع قرار بود نام * بحث وحدت * داشته باشد ، مورد توافق طرفين قرار گرفت - بدنبال اين توافق و در واقع براي تكميل و تثبيت و هدايت صحيح آن ما لزم تشكيل يك جمع مشترك از د و سازمان را براي رهبري و هدايت اين ارگان مورد تاكيد قرار داديم . اين تاكيد كه ضرورت سازمان يافتگي در هر كار انقلابي و لزم اخذ نتيجه گيرهاي مشخص در آن كار و اجتناب از بروز هرگونه هرج و مرج و ليبراليسم فكري و عملي در يك ارگان انقلابي ، آنرا ايجاب مي كند ، آنقدر طبيعي و موجه بود كه بنظر نرسيد محتاج به هيچگونه بحث و استدلال باشد .

بمبارت ديگر اين نظر مخالف آن (البته اگر وجود داشت) يعنى نظري كه انتشار نشرعي مشترك را بدون ايجاد رهبري و سازمان يافتگي متناسب با آن تجويز مي كند ، بود كه مي بايست دلايل خود را بر اثبات اين شيوه نامعمول ارائه دهد . (مختصراً)

اين شيوه بيشتر از همه بين كمونيستها نامعمول است ؛ چرا كه كمونيستها تنها با نيرزهاي انقلابي هستند كه پيش از اقدام به هراسم انقلابس به چگونگي * سازمان * آن ويا سازمان دادن آن مي انديشند . اين خصيصه ريشه در ماهيت ايدئولوژي آنها دارد . بقول لنين پرولتارياد را نبرد خود عليه بورژوازي ، سلاحی جز تشكيلات ندارد) با اينوصف پيشنها ما نه تنها بدون استدلال طرح نشد ، بلكه مادرطي و نامه (در اولين و دومين نامه هاي بعد از نشست آذر ماه) مفصلاً دلايلي را كه بر لزوم چنين ارگان رهبري كننده ماي نظارت داشت توضيح داديم . در عين حال مادر همین نامه ها به رفقای رابط فدائي اعلام كرديم كه انتشار اين نشریه را در هر صورت ، چه موضوع جمع مشترك هدايت كننده مورد موافقت شما قرار بگيرد و چه با آن مخالفت بكنيد ، به ايجاد اين جمع موكول نمي كنيم ؛ چرا كه معتقديم هرآينه با نظر ما موافقت نشود بزودي صحت نظراتمان در عمل به اثبات خواهد رسيد .

رفقا با اين پيشنها ما مخالفت قاطع و روشني بعمل نياوردند همانطور كه بطور قاطع نيز با آن موافقت نكردند . بدین ترتيب جريان بحث بين د و سازمان به صورت

مکاتبه ادامه داشت • بالاخره از آنجا که طرفین نتوانسته بودند باین طریق به استنباط واحدی از شیوهی کار برسند و نظرات هر طرف برای طرف دیگر نامفهم باقی مانده بود • ضرورت تشکیل یک جلسهی حضوری احساس شد • این جلسه در اوائل اسفند ماه سال گذشته تشکیل شد و طی بیش از ۱۲ ساعت مذاکره • اساسیترین موارد اختلاف طرفین مورد بحث قرار گرفت (ر • ک به نوار مذاکرات) • در این جلسه آشکار شد که انتشار نشریهی مشترک تنهایی تواند یک اقدام لازم باشد و نه کافی زیرا نشریه بهیچوجه برای پاسخگویی به نیازهای دو سازمان (مخصوصاً اگر فاقد یک ارگان رهبری کننده باشد) برای رسیدن به وحدت کافی نیست • اقدامات مشترک دیگری • در زمینه های متعدد دیگر لازم است تا بتوان لااقل در یک حد متوسط به این نیازها پاسخ گفت • در صدر این اقدامات تماس دائمی دو سازمان از طریق ایجاد یک کمیتهی مشترک وحدت است که با بررسی منظم و مرتب مسائل جاری در میان دو سازمان • از جمله کنترل و هدایت نشریهی مشترک و همچنین بررسی مسائل و حوا • دنی که در سطح جامعه و جنبش جاری است • قدم به قدم مشکلات و اختلافات را از میان برداشته و دو سازمان را به نحو آگاهانه ای به سمت وحدت کامل هدایت نماید • همینطور ما در اینجا روی نقطهی اصلی اشکالات پیش آمده در جریان کار، اشکال • لاتی که پیشبرد کارهای مشترک دو سازمان را سد می نمود • انگشت گذارده و رفع آنها را با موضوع اساسی تعیین هدف مشخص از ارتباط دو سازمان • در ارتباط درجهی اول دانستیم • بدین ترتیب ما پیشنهاد کردیم که نشریهی مشترک و اصولاً تمام روابط موجود را باید از سردرگمی و ابهام فعلی بیرون آورده و در مقابل همی آنها یک هدف نهایی • مشخص • کاملاً روشن و در عین حال ملموس قرارداد • این هدف بنظر ما عبارت بود از ادغام کامل دو سازمان • البته واضح بود که برای رسیدن به این هدف راه سهل و سادمای در مقابل نداشتیم • اما تعیین این هدف • این حسن بزرگ را داشت که به تمام اقدامات و فعالیتهای مشترک دو سازمان سمت مشخص

و بدون انحرافی می‌بخشید • دو سازمان می‌توانستند در حالیکه این چشم‌انداز در مقابلشان قرار دارد • قدم به قدم مشکلات و اختلافات اساسی و اصولی خود را پیش‌کشید • و در جریان یک بحث جمعی در درون دو سازمان به تفاهم نائل آید •

بعنوان مثال • وقتی هدف تمام این فعالیتها و ارتباطات • اقدام دو سازمان تعیین می‌شد • آنگاه مسائل اصولی‌ای از قبیل مسئله‌ی جبهه • مسئله‌ی موضع‌گیری در قبال روزیونیسم • مسئله‌ی نحوه و مضمون تبلیغات • مسئله‌ی موضع‌گیری در قبال نیروهای دیگر انقلابی • مسئله‌ی استنباط از مرحله‌ی تودم‌های شدن جنبش مسلحانه • مسئله‌ی تشکیل حزب کمونیست • • • و هر مسئله‌ی دیگری که اساسی و اصولی تشخیص داده می‌شد مورد توجه دو سازمان قرار می‌گرفت • آنگاه از آن میان موارد اختلاف جدا می‌گردید و به مرور در جریان یک بحث جمعی و هدایت شده به میان اعضا دو سازمان برده می‌شد • جواب حقیقی و غیر حقیقی هر مسئله روشن می‌شد و سپس نتایج و توافقات حاصله توسط کمیته‌ی مشترک جمع‌بندی شده و اعلام می‌گشت • همینطور دو سازمان می‌توانستند همگام با پیشرفت تفاهماتشان در مسائل اصولی‌ایدئولوژیک و سیاسی • دست به همکاریهای نزدیک تر عملی و سازمانی هم بزنند • کمیته‌ی مشترک می‌توانست وظیفه‌ی سازمان دادن این همکاریها را هم بپذیرد • با این ترتیب امر وحدت دو سازمان تنها به انتشار یک نشریه که نه سازمان یافته • نه بطور مشخص هدفی را دنبال می‌کند و نه طبیعتاً تعهد و مسئولیتی را به همراه دارد محدود و موقوف نشده • بلکه از جوانب و زمینه‌های گوناگونی • فعالیت و حرکت بدین سمت — سمت و سمت — آغاز می‌شد (۱) •

(۱) — هم اکنون دو شماره از نشریه به انتشار درآمد است • مطابق همان پیش‌بینی‌های ما که اکنون بوقوع پیوسته‌اند • نشریه نه دارای هدف مشخصی است و نیاز هیچ‌کس را برطرف نمی‌کند • درست است که در این دو شماره مطالب قابل‌اهمیتی مورد بحث قرار گرفته و برخی از مهمترین موارد اختلاف دو سازمان در آن

این فعالیتها بسان رشته های یاریکی از افکار و نظرات ، از نقاط گوناگون
 د و سازمان منشا گرفته و جریان های مختلفی را بوجود می آورند ، اما این جریانها
 علیرغم آنکه نقاط عزیمت متفاوت ، گوناگون و گاه متباعدی داشتند بالاخره در یک
 نقطه سه یعنی کانون کمیته مشترک - با هم تلاقی می کردند و ذخیره عظیمی از نیرو

ضدعکس شده است ، اما با این وصف جواب این سؤال که نشریه در ادامه ی راه خود
 باید به کجا برود ، چه هدفی را دنبال کند و یا توده های د و سازمان از شرکت در
 این مباحثه ، از طرح نظراتشان و بررسی موارد اختلاف د و سازمان دقیقاً چه هدفی
 را دنبال می کنند ، هنوز معلوم نیست . همینطور این سؤال که جمع بندی و نتیجه -
 گیری نهایی چگونه ، توسط چه کسانی و بر مبنای چه ضوابط و اصولی تعیین می شود
 (و آیا اصولاً اعتقاد به اخذ يك نتیجه و ضرورت جمع بندی وجود دارد یا نه ؟) هم -
 چنان بلا جواب ماند است .

اینها همه نشانه های آنست که تا هدف روشن و قاطعی در مقابل همی روابط و
 اقدامات مشترک د و سازمان از جمله نشریه مشترک گذارد ، نشود تا جمع منتخبی از
 د و سازمان مسئولیت هدایت و رهبری این فعالیتها و روابط را به سمت این هدف
 بعهده نگیرد هرگونه فعالیت و کوششی عبث و بی نتیجه خواهد بود .

جالب توجه در اینجا این است که اولاً : ما تازه بعد از گذشت بیش از نه ماه
 موفق به انتشار تنها د و شماره از این نشریه شدیم که این د و شماره نیز هر کدام
 مستقلاً از طرف یکی از د و سازمان تهیه و تدوین شده است . بدین ترتیب بطور
 خود بخودی يك نظم سازمانی بر هر يك از این د و نشریه تحمیل شده است . والا
 روشن است که حتی انتشار يك شماره ی نشریه مشترک بهمان صورت توافق اولیه ،
 البته بدون آنکه هدف و خط مشی آن روشن شده و جمع رهبری کند مای مسئولیت
 هدایت آنرا بعهده بگیرد ، غیر ممکن بود و یا اگر چنین مجموعه ای منتشر می شد
 (باز هم در صورت عدم وجود آن جمع و هدفهای تعیین شده) در بهترین حالت
 لت ادامه ی خود ، به چیزی جز یک جنک ادبی - سیاسی تبدیل نمی شد .

ثانیاً : د و نشریه چاپ شده نیز در واقع امر همان چیزی نیستند که در ابتدا
 و در همان جلسه ی آذرماه مورد توافق قرار گرفته بودند ، چرا که اصلیت و ویژگی
 نشریه مورد توافق این بود که بحثها و نظرات مطروحه در آن آزاد باشد . یعنی
 تمام اعضا د و سازمان بتوانند نظرات و مقالات خود را بدون عبور از صافی مرکزیت

و انرژی فکری (و عملی) را بوجود می آوردند .

کمیته مشترک نیز این ذخیره نیرو و انرژی را ، بدون آنکه فرصت کوچکترین هزروزی و انحراف از هدف به آن بدهد ، مجددا در رگ و پی های دو سازمان ، در تمام اعضا و جوارح آن جاری می ساخت . در روند چنین فعالیت همه جانبه ، جمعی ، آزاد و در عین حال جهت دار و هدایت شد مای بود که زمینه های ذهنی تفاهم آماده می شد و آهسته آهسته پایه های استوار بنای وحدت دو سازمان بالایی - رفت . (ر . ک به نوار مذاکرات اسفند ماه ، ساعت های یازدهم و دوازدهم)

دو سازمان در نشریه منعکس سازند و مرکزیت دو سازمان نیز موظف باشد نشریه ای منتشره را بی کم و کاست و بدون هیچگونه دخل و تصرف یا حذف و استثنایی در اختیار تمام کادرهای خود بگذارد (در نوار مذاکرات آذرماه این توافق پایین جملات که گفتگوها باز باشد و رفقای مرکزی هم مانند رفقای دیگر . . . مورد تاکید قرار گرفته بود) طبیعی بود که احراز چنین شرطی ، خود بخود وجود یک جمع مشترک هدایت کننده را ضروری می ساخت بهمین دلیل نیز ما تشکیل آنرا امری طبیعی می دانستیم . اما رفقای رابط فدائی ، بعدا ، از آنجا که جواب قاطعی به پیشنهاد ما مبنی بر تشکیل جمع نداده بودند و از طرف دیگر در جریان عمل روشن شده بود که شکل مورد توافق اولیه ، بدون وجود این جمع پیش نخواهد رفت ، درصد برآمدند بشکل دیگری این تضاد را حل کنند ، بدین جهت طی نامه ای به ما اطلاع دادند که لایحه است : " در هر سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات رسیده باشد و پس از کنترل و تأیید در نشریه درج شود " ! روشن است که این شکل ، نقض اساسی ترین اصل مورد توافق ، یعنی آزاد بودن بحث میان دو سازمان بود . بدین دلیل ما در پاسخ این نامه ، متقابلا نظر خودمان را به این صورت ابراز کردیم :

" شما همچنین نوشته اید : " در هر سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات رسیده باشد و پس از کنترل و تأیید ، در نشریه بحث درج شود " . ما معنا و وظیفه این کمیته را نفهمیدیم . اگر منظور شما اینست که در هر سازمان ، این کمیته مستقلا تشکیل شده ، مستقلا نسبت به کنترل و تأیید مقالات رسیده تصمیم بگیرد که اولاد دیگر هیچ ضرورتی به تشکیل کمیته خاص نبوده . مرکزیت هر سازمان یا هر عنصر یا عناصر مسئول دیگری که از طرف مرکزیت انتخاب می شوند ، می توانند اینکار را بکنند . و دیگر

بدین ترتیب د و سازمان د جریان يك سوخت و ساز مشترك اید شولوزيك قرار می‌گردد -
فتند و کمیته‌ی مشترك خود بعنوان اولین نقطه‌ی پیوند سازمانی ، در همین آنکه جریان
سالم و طبیعی این سوخت و ساز را هدایت می‌کرد ، زمینه‌های تشکیلاتی مناسبی
برای پیوند کامل د و ارگان فراهم می‌ساخت .

اینها اصلی‌ترین ملاحظات مادر باره‌ی انتشار نشریه و کلا روابط د و سازمان

ارتباطی هم به سازمان دیگر نداشت . ثانیاً و مهمتر اینستکه : در چنین صورتی
اصل اساسی مورد توافق یعنی آزاد بودن بحث نقض می‌شود .

اما اگر منظور شما از تشکیل این کمیته‌ها در د و سازمان این است که د و کمیته
در رابطه با هم و بصورت يك کمیته‌ی مشترك از د و سازمان باشد که بحث‌ها و مقالات
رسیده را از د و سازمان مورد بررسی و کنترل قرار داده و با تشریک مساعی جمععی
(مراد از جمع همان عناصر کمیته‌ی مشترك مرکب از افراد د و سازمان است) نشریه
را هدایت کند که در چنین صورتی مانیز کاملاً با این شکل موافق بوده و از ابتدا به
عنوان یگانه شکل صحیح هدایت و رهبری این نشریه ، مورد تأکید قرار داده بودیم
که از قبل نیز مورد موافقت شما قرار گرفت . آزاد بودن بحث نیز تنها در چنین
شکلی از کار ممکن است . . . * (پایان نقل قول از نامه‌ی مورخ دیماه سال ۵۴)
به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) . این مکاتبات همانطور که قبلاً گفته شد
به نتیجه‌ی لازمی نرسید . سرانجام بحثها به نشست اسفند ماه موقوف شد . در این
نشست نیز مسئله بصورتی درآمد که عملاً یا می‌بایست فعلاً از انتشار این نشریه
چشم‌پوشی می‌شد و بحث بر سر لزوم آزاد بودن بحث بهمان معنای مورد توافق اولیه
و لاجرم لزوم جمع مشترك هدایت‌کننده ادامه می‌یافت و یا طرح محدود کننده‌ی
رفقای فدائی ، مبنی بر کنترل جداگانه‌ی مقالات رسیده توسط هر سازمان ، فعلاً و
تا یکی د و شماره مورد قبول قرار می‌گرفت (البته این کنترل دیگر شامل خود نشریه
و یا مقالات رسیده از طرف هر يك از سازمانها نمی‌شد . هر سازمان فقط می‌توانست
مقالات مربوط به اعضا خود را کنترل کند و یا آنها را رد یا قبول نماید . ولی
موظف بود مقالات رسیده از سازمان دیگر را تمام و کمال در اختیار تمام اعضا خود قرار
دهد این موضوع صریحاً در توار مذاکرات مضبوط است) ما اجباراً شق دم را پذیریم -
فتیم ؛ چراکه بهر حال وجود همین رابطه و اصلاح و تقویت آنرا در آینده بهتر از
کسسته شدن آن می‌دانستیم . هر چند که قبول حتی موقتی این شق جز با نقض

بود که در جلسه‌ی مذاکرات مشروحاً عنوان شد * در عین حال مادر همین جلسه و پیرو همین ملاحظات ، دو نکته‌ی مهم دیگر را نیز متذکر شدیم :

نکته‌ی اول این بود که * اصول * مورد بحث ، مطالب مهم و نامعشیه‌ی

نیستند که بحث بر سر آنها ، مارا دچار تبعیت از يك دور و تسلسل باطل کند .

این اصول چه از جهت سیاسی و استراتژیک و چه از جهت ایدئولوژیک محیسن

و اعلام شده‌اند و عبارتند از همان خطوط اصلی سیاسی - استراتژیکی که تحلیل

مارکسیستی - لنینیستی جامعه و جهان بینی علمی (ماتریالیزم دیالکتیک) در مقابل

دو سازمان می‌گذارند . (ر . ک به نامه‌ی جواییی سازمان مادر مورد روابط ساز -

مان شما با جبهه‌ی ملی خارج - صفحات ۳۳۰ و ۳۳۱ همین جزوه)

بدین قرار دو سازمان یاروشی نه چندان مشکوک می‌توانستند اصول مورد بحث

را از اختلافات فرعی و حاشیه‌ای جدا کرده و فشار اساس خود را روی حل اختلافات

اصولی متمرکز کنند .

نکته‌ی دوم این بود که ما صریحاً اظهار داشتیم حاضریم در موارد غیر اصولی ،

در موارد جزئی ، در مواردی که مسئله صرفاً به منافع سازمانی ما بر می‌گردد و با منافع

اساسی جنبش در تضاد قرار نمی‌گیرد ، هر گونه گذشت و اغماضی را مورد قبول قرار

دهیم (ر . ک بهمان توار فوق الذکر در همان ساقفات یازدهم و دوازدهم بحث) .

اینها ملاحظات ، هدفها و شیوه‌هایی بودند که ما برای ادامه‌ی روابط پیشنه‌ساز

می‌کردیم که البته از طرف رفقای رابط فدائی رد نشد ؛ اما متأسفانه فرصت يك نتیجه

گیری عملی هم بدست نیامد . در پایان این جلسه تصمیم گرفته شد که بهر حال یکی

دو شماره از نشریه ، در جریان شکل مورد قبول رفقای فدائی (کنترل مجزای هر

سازمان روی مقالاتی که برای دپج در نشریه فرستاده می‌شود) از چاپ پیرون آید

یکی از اصول مورد توافق اولیه - یعنی اصل آزاد بودن بحث - امکان پذیر نمی‌شد .

محدودیت و شکل خاصی که هم اکنون در دو شماره چاپ شده نشریه نیز مشاهده

و در این فاصله رفقای فدائی نیز فرصت پیدا کرده روی پیشنهادات ما فکرکنند (ر . ک به نوار مذاکرات همچنین برای توضیح بیشتر این قسمت رجوع کنید به پاورقیهای صفحات ۶ تا ۱۱ همین مقدمه)

متأسفانه مدت کوتاهی بعد از انتشار اولین شماری نشریه بحث و درست در حالیکه ما خودمان را آماده می کردیم تا دوسین شماری نشریه را در اختیار رفقا قرار بدیم ، ضربات ماههای اردیبهشت تا تیر ، همه چیز را بحال تعلیق و توقف درآورد . در این فاصله ، بسیاری از رفقای فدائی و کادرهای مسئولی که در جریان روابط و سازمان قرار داشتند ، از جمله رفقای را بسط در جلسات مذاکرات حضوری بنسبادت رسیده بودند . ارتباط و سازمان یا کل قطع شده بود و همه چشمها و فکرها در جستجوی علل و نتایج تاکتیکی ، سیاسی و سازمانی این ضربات بود .

بهر صورت مدتی بعد تماس با رفقای فدائی حاصل گشت . در این تماسها با کمال حیرت مشاهده کردیم که رفقای رابط جدید (رفقای که در اولین جلسهای مذاکرات حضوری بعد از ضربات این دوره شرکت داشتند) که از عناصر مرکزی رفقای فدایی به شمار می آمدند ، تقریباً هیچ چیز از روابط و مذاکرات و سازمان نمی دانند این رفقا حتی نوار مذاکرات و واژه ساعتی مابین د و سازمان را گوش نکردند و از مضمون نامه های متبادله و بحثهای گذشته بین رهبری د و سازمان هیچ اطلاعی نداشتند . این وضع البته خاص رفقای رابط جدید نبود ، بلکه مادر همین جریانات (جریان تماسهای اضطراری با برخی از رفقای فدائی که ارتباطشان قطع شده بود و یا تماسهای دیگری که بعلمت حوادث این ماهها با رفقای دیگر دست داده بود) با قریب بیش از ۱۰ نفر از اعضا سازمان شما برخورد داشتیم که آنان نیز هیچگونه اطلاعی از چگونگی این روابط و مذاکرات د و سازمان نداشتند . در عوض ، ما مشاهده کردیم که این رفقا بنحو واقعا تعجب آور و در عین حال اسفباری نسبت به سازمان حسی شود ، معلول نقض اجباری (اجباری البته از طرف ما) همین مورد است .

ما نسبت به نقطه نظرهای سیاسی - استراتژیک ما بدبین هستند + ما در برخورد با این رفتار مواجه باید جریان سیستماتیک^۱ ضد مجاهدی^۲ شدید - جریانی کبیر باژگون^۳ جلوه دادن واقعیات سازمانی ما، بر تحریف نقطه نظرات، اقوال، اعتقادات و اعمال ما دلالت داشت و بخوبی معلوم بود که بطور منظمی در سطح سازمان شما هدایت شده است. بعنوان مثال برخی از این رفتارها در همان برخورد های اولیه با اعضا^۴ ما، وقتی راجع به مسائل استراتژیک صحبت بعیان می آمد و نظرات و طرف مورد بحث قرار می گرفت، می گفتند ما تاکنون تصور می کردیم که شما بجای خط مشی مسلحانه، خط مشی دفاع مسلحانه را مورد قبول قرار داد ماید! و وقتی به این رفتار گفته می شد مگر شما مطبوعات و انتشارات سازمانی ما را مطالعه نکرد ماید و یا از آن مهمتر اقدامات و عمل ما را در سطح جامعه مورد مشاهده قرار ندانید؟ می گفتند ما در کلاس هایمان اینطور بحث کرد ماید و... الخ... و یا در حالیکه ما تعریف اصول خودمان را از جنبه، ضرورت جنبه و نیروهای انقلابی ای که می توانستند در این جنبه شرکت داشته باشند، صریحا و بطور قاطع اعلام کرده بودیم و موکداً نشان داد می بودیم که تنها نیروهای انقلابی وارد در جنبه می نبرد می توانند در این جنبه شرکت کنند و بطور واضح و قاطعی بر جدائی ریزیزونیستها^۵ گروهها و سازمانهای اپورتونیستی از قبیل بقایای حزب توده و... از نیروهای انقلابی تصریح کرده بودیم (صفحات ۸۲ و ۸۳ مقدمه ای بر بیانیه ای اعلام مواضع ایدئولوژیک*)؛ اما باز هم ما به رفتارهای از سازمان شما برخورد می کردیم که به ما می گفتند منظورتان از جنبه چیست؟ مگر نه ایمن است که شما می خواهید با حزب توده تشکیل جنبه بدهید؟! و جالب توجه تر از همه، اینجا بود که این رفتار درست همان موقعی ناآگاهانه و تحت تاثیر همان تبلیغات منظم ضد مجاهدی چنین تهمتی را به ما می زدند که رهبری سازمان خود - شان، از طریق جنبه ای ملی خارج به تماسهای گسترده ای با حزب توده دست

* - مطابق با پاروژی صفحه ی ۶۹ بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک چاپ خارج

زده بود و از این طریق در صدد کسب حمایت‌های مالی و تسلیحاتی بود !!
 در مواردی دیگر ما با کمال تأسف مشاهده می‌کردیم که این رفقای اعلامیه‌ها و
 مقالات و نشریات ما را مطالعه نکردند ، یا در صورت مطالعه بدلیل پیشداوری‌های
 مد‌هش‌ذهنی ، بدلیل حاکمیت تصورات نادرستی که فقط می‌توانست از وجود
 شایعات تحریف‌آمیز ، عمدی و مغرضانه‌ای علیه ما حکایت داشته باشد ، همه چیز
 آن‌ها بنظرشان معکوس رسید ما است . از الف ، یا ، فهمید ماند و از یا ، بکوه قساف
 رسید ، اند .

این قضایا وقتی در کنار یکی از مقالات مندرج در نشریه نبرد خلق شماره ۷
 که درست در میانه‌ی ضربات اردیبهشت تا تیرماه وارد بر سازمان شما منتشر شده
 بود ، قرار می‌گرفت ؛ کم‌کم ایهامات و اعجاب‌ها را که در جریان این برخورد‌ها شکل
 گرفته بودند ، میزدود و بطور متقابل منشاء اصلی این قضاوتها و این بدبینی‌ها
 و پیشداوری‌ها را نشان می‌داد .

این مقاله که جز برخی موعظه‌های آکونومیستی و تسلیم‌گرایانه در باره‌ی خود -
 داری از حمله به منافع و تأسیسات امپریالیست‌ها (امپریالیسم آمریکا) و اظهار
 لحنیه‌های فاضل‌آبانه در باره‌ی مطالب بدیهی و پیش‌پاافتاد مای از قبیل پرهیز از
 عملیات آوانتورستی ، آتش‌زدن سینما و . . . و تکرار و اقتباس ناقص و اپتروشته
 ها و نظرات مشهور دیگران ، همراه با سلی از اکاذیب و تهمت و افتراء نسبت به ما ،
 چیز دیگری نبود ؛ به نحو غیر صادقانه‌ی سعی کرده بود حقایق را وارونه جلوه
 دهد و آنجایی که دیگر امکان چنین باژگونه‌سازی وجود نداشت ، با روش کورگان‌های
 در صدد برآمده بود خودش چیزهایی را به ما نسبت دهد و بعد هم خودش با
 طعن‌تراقی و طنطنه ، تمام آنها را رد و نفی نماید ! و به این ترتیب بدون آنکه
 حتی به یک جمله و به یک کلمه از نظرات مشخص و اعلام شده‌ی ما استناد کرده باشد ،
 بطور غیر مستقیم ما را مورد حمله قرار دهد .

انتشار این مقاله که از نظر محتوا مخالف تمام واقعیات و حقایق موجود بود و از نظر شکل و شیوهی طرح ، برای اولین بار به تبلیغات مغرضانه‌ای علیه ما شکل علنی می‌داد که این موضوع - حمله‌ی علنی به ما در مطبوعات خارج سازمانی - که خود مخالف روح همه‌ی توافقات و تفاهات موجود بین دو سازمان بود ، مجموعه‌ای به ما نشان می‌داد که علیرغم تمام قول و قرارها و تفاهات رسمی و تاکید شده از طرف دو سازمان در جلسات مذاکرات حضوری و غیره ، شما حاضر به رعایت این توافقات نیستید یا لااقل هنوز به تصمیم قاطعی درباره‌ی چگونگی برخورد دو سازمان و مضمون و محتوای روابط آنها نرسیده‌اید . بدین قرار ما مجبور می‌شدیم برای روابط خودمان با شما حساب دیگری هم باز کنیم . این حساب عبارت بود از ملحوظ داشتن يك جریان " ضد مجاهدی " در درون شما که هر لحظه می‌تواند مناسبات دو سازمان را دچار دگرگونی‌های منفی نموده و به آسانی بر توافقات دو سازمان خط بطلان بکشد . همین‌طور مجموعه‌ی قرائن موجود نشان می‌داد که این جریان نه تنها جریانی ضعیف و محکوم نیست ، بلکه اگر تاکنون حاکمیت مطلق بر کل سازمان شما بدست نیارده ، نباید در نفوذ قابل اهمیت و گاه تعیین کننده‌ی آن هیچگونه شك و تردیدی بخود راه داد . ما تا این موقع تصور می‌کردیم روابط دو سازمان ، باید در چهارچوب همسازان توافقات رسمی و حواشی ضمنی آن که در مذاکرات حضوری و مکاتبات معموله مورد قبول قرار گرفته بود ، بسمت وحدت پیش‌برود و اختلافات و نقاط اختراق با سعی صـدري انقلابی ، در جریان يك کار مشترک توضیحی - آموزشی - فرهنگی در سطح دو سازمان ، با استفاده از وسائل مانند همان نشریه‌ی بحث ، حل و فصل گردد . اگر انتقادی موجود است ، نخست باید در سطح دو سازمان مطرح گردد و اگر اختلاف نظری موجود است ، نخست باید در روابط درونی دو سازمان کوشش برای رفع آنها بعمل آید . (بهمین دلیل ما در تمام طول این روابط حتی تا هم اکنون که این نشریه در اختیار رفقا قرار می‌گیرد - در حالیکه شما عملاً این توافق را با انتشار مقاله‌ی